بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[تولی من قبل جائر 2](#_Toc427345844)

[مرور بر گذشته 2](#_Toc427345845)

[احتمالات نظریه دوم (حکومت به معنای عام) 2](#_Toc427345846)

[وجه اول 2](#_Toc427345847)

[وجه دوم 2](#_Toc427345848)

[شواهد در روایات برای وجه دوم 2](#_Toc427345849)

[بررسی روایت از لحاظ سندی 3](#_Toc427345850)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 3](#_Toc427345851)

[معانی تولی در آیات 3](#_Toc427345852)

[منظور از تولی در آیات 4](#_Toc427345853)

[پذیرش ولایت کفار 4](#_Toc427345854)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc427345855)

[جمع‌بندی بحث 5](#_Toc427345856)

[فرع پنجم: حکم تولی در حکومت‌های بعد از غیبت 5](#_Toc427345857)

# تولی من قبل جائر

# مرور بر گذشته

بحث در حرمت تولی بود. در این قضیه فروعاتی را مطرح کردیم. فرع چهارم این بود که آیا تولی به حکومت‌های اسلامی اختصاص دارد یا عام است و شامل تمام حکومت‌های کفار نیز می‌شود.

در این فرع دو احتمال وجود دارد.

1.خاص حکومت‌های اسلامی است. این وجه هم به خاطر ضمایر و اشاراتی که در روایات وجود دارد.

2.عام تمام حکومت‌ها است.

## احتمالات نظریه دوم (حکومت به معنای عام)

### وجه اول

در نظریه دوم،‌دو احتمال وجود داشت. وجه اول این بود که در بعضی جاها از طریق تنقیح مناط می‌پذیریم.

### وجه دوم

وجه دوم این بود که در روایات شواهدی برای عموم پیدا کنیم. درست است که بعضی روایات اختصاص به حکومت مسلمانان دارد ولی بعضی از روایات شواهدی برای عموم دارند.

### شواهد در روایات برای وجه دوم

ازجمله روایت دهم باب 45 از این قبیل است.

**« عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع‏ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الشِّيعَةِ- يَدْخُلُونَ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ يَعْمَلُونَ لَهُمْ وَ يُحِبُّونَ لَهُمْ وَ يُوَالُونَهُمْ قَالَ لَيْسَ هُمْ مِنَ الشِّيعَةِ- وَ لَكِنَّهُمْ مِنْ أُولَئِكَ ثُمَّ قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَذِهِ الْآيَةَ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرائِيلَ- عَلى‏ لِسانِ داوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ- إِلَى قَوْلِهِ وَ لكِنَّ كَثِيراً مِنْهُمْ فاسِقُونَ - قَالَ الْخَنَازِيرُ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ- وَ الْقِرَدَةُ عَلَى لِسَانِ عِيسَى كانُوا لا يَتَناهَوْنَ عَنْ مُنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما كانُوا يَفْعَلُونَ - قَالَ كَانُوا يَأْكُلُونَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ يَشْرَبُونَ الْخُمُورَ وَ يَأْتُونَ النِّسَاءَ أَيَّامَ حَيْضِهِنَّ ثُمَّ احْتَجَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْمُوَالِينَ لِلْكُفَّارِ فَقَالَ تَرى‏ كَثِيراً مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ إِلَى قَوْلِهِ وَ لكِنَّ كَثِيراً مِنْهُمْ فاسِقُونَ- فَنَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُوَالِيَ الْمُؤْمِنُ الْكَافِرَ إِلَّا عِنْدَ التَّقِيَّةِ.»[[1]](#footnote-1)**

از حضرت می‌پرسند مسلمانانی و شیعیانی هستند که وارد دستگاه جور و ظلم می‌شوند، حضرت می‌فرمایند:‌ایشان از شیعیان نیستند حتی اگر به لحاظ اعتقادی و شکلی شیعه باشند. در ادامه روایت حضرت نکات و استشهاداتی را بیان می‌کنند. حضرت در ادامه به آیه « **تَرى‏ كَثِيراً مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ إِلَى قَوْلِهِ وَ لكِنَّ كَثِيراً مِنْهُمْ فاسِقُونَ»[[2]](#footnote-2)** اشاره می‌کند. ایشان استشهاد می‌کنند بر آیاتی که تولی کفار را نشان می‌دهند.

اگر این روایات نیز نبود، به همین آیه نیز استشهاد می‌کرد، می‌توانست بگوید که تولی در مورد کفار به شکل عام است.

#### بررسی روایت از لحاظ سندی

مسعده محل اشکال است. ایشان توثیق ندارند ولی چون از بزرگان هستند، می‌شود به ایشان توثیق کرد. از طرفی امام (ره) نیز توثیق ایشان را پذیرفته‌اند. البته با قاعده رجال مشاهیر می‌توانیم ایشان را بپذیریم.

#### بررسی روایت از لحاظ دلالت

روایت می‌گوید که اصل در قرآن، کفار است و ما مسلمین را الغای خصوصیت می‌کنیم.

## معانی تولی در آیات

تولی در آیات به دو معنی آمده است.

1.پشت کردن به جبهه‌ی حق و خداوند که این معنی ربطی به بحث مربوطه ندارد.

2.معنای دیگر تولی این است که از واژه ولایت می‌آید. معنای ولایت قرب چیزی است. اصل تولی، یعنی دوست داشتن و نزدیک شدن.

چیزی که مورد نهی قرار گرفته شده است، تولی اعداء الله، کفار، یهود و نصارا و مشرکین در قرآن آمده است. در آیات مشاهده می‌کنیم که تولی کفار، مورد مذمت شدید قرار گرفته است. آیات نهی مطلق به تولی کفار دارد.

این آیات تعدد و ظهور دارد. چون وعده عقاب دارد، تولی را از کبائر برمی‌شماریم. از سویی به معنای عام است و مطلق غیرمسلمان را شامل می‌شود.

## منظور از تولی در آیات

آیاتی زیادی وجود دارد در مورد تولی کفار و نهی واضحی نیز شده است. منظور تولی در آیات به سه شکل مطرح شده است:

1.مقصود از تولی، عقدالنصرة است. بین قبایل توافق‌نامه‌ای بسته می‌شده است که هرگاه حمله‌ای به طرفی شد، بقیه کمک وی می‌کردند. این در جزیرة‌العرب مرسوم بوده است. این احتمال حداکثر است.

2.احتمال سوم این است که معنا و مفروض مهر و محبت است. مرحوم علامه طباطبایی نیز چنین احتمالی را قوی می‌دانسته است.البته این یک نوع دلدادگی است نه اینکه یک رابطه‌ی سطحی باشد.

3.تولی به معنای یک نوع دوستی است که در آن یک تعامل جدی و ارتباط جدی بین مسلمان و کافر برقرار بشود. این نوع دوستی در رفتارهای ظاهری بروز کند.

اظهر این معنای سوم است. تولی یک نوع قرب و دوستی است که ظهور و بروزاتی دارد.

قاعدتاً معنای اول ظهور ندارد. البته احتمال دوم نیز دور از انتظار نیست.

### پذیرش ولایت کفار

ورود در سیستم و دستگاه و قبول ولایت کفار در آیه، دو احتمال دارد:

1.ورود در سیستم مطلقاً تولی است.

2.اگر ورود همراه با یک نوع دلدادگی باشد تولی است.

احتمال دوم اظهر است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به احتمالات در معانی و احتمالات پذیرش ولایت کفار، قدر متیقن تولی، علاقه و محبتی است که بروز و ظهور کرده است. اگر هرکدام از این‌ها نباشد، نمی‌توانیم بگوییم که تولی شامل آن‌ها می‌شود.

تولی یک نوع دوستی که در عمل ظهور بارزی دارد و موجب روابط عمیق بین مؤمن و کفار می‌شود.

قبول ولایت حکومت‌های کفر، درصورتی‌که بر اساس یک علایق و پیوندهای قلبی باشد، حرام است. اینکه این تولی مطلقاً حرام باشد، بعید است. اما در حکومت‌های نامشروع مسلمان، مطلق است.

## جمع‌بندی بحث

ورود در دستگاه حکومت‌های مسلمان غاصب، اطلاقاتی دارد که مطلقاً حرام است.

ورود در دستگاه غیرمسلمان، اگر حربی باشد، مطلقاً حرام است.

ورود در دستگاه غیرمسلمان، اگر حربی نباشد و اگر ناشی از دلدادگی و محبت باشد، منع دارد و در غیر دلدادگی و محبت منعی ندارد.

در درون جامعه اسلامی، شمول بیشتری دارد تا حکومت نامشروع، دوام و ثبات نیابد.

## فرع پنجم: حکم تولی در حکومت‌های بعد از غیبت

آیا منظور از حکومت‌های مسلمان، حکومت‌های زمان معصوم (علیهم‌السلام) است یا برای هر زمان است؟

منظور کلی این سؤال این است که حکومت‌های بعد از غیبت نیز شمول دارد. اگر کسی قائل باشد که در عصر غیبت، مأمور حکومت نیستیم، یا امام اذن نداده است. یا اینکه کسی قائل به حکومت مشروع و نامشروع در زمان غیبت است.

اگر ما حکومتی را از دیدگاه فقهی مشروع بدانیم، طبعاً ادله تولی آن را شامل نمی‌شود. مشروعیت به هر حکمی باشد، شامل تولی نمی‌شود.

1. **وسائل الشیعه،‌ج 17،‌ص 191** [↑](#footnote-ref-1)
2. **مائده، آیات 80 و 81** [↑](#footnote-ref-2)